

## تحول در نفت جهان

Walter Levy

« هیچ صنعتی به اندازه صنعت نفت و صنایع وابسته به آن به اینگونه در اقتصاد جهان تأثیر اساسی نداشته و تا این حد موجب پیچیدگی روابط سیاسی دولت‌ها نشده است. رشد صنعتی در اقتصاد جهان به طور روز افزون به نفت بستگی دارد. افزایش اهمیت نفت و برتری آن بر سوخت‌های دیگر که جنبه تجاری دارند از زمان جنگ به بعد و در دوره تورم پولی صورت گرفت.

پس از آنکه بازار نفت نیز مانند بازار بسیاری از کالاهای مهم دیگر اضافه تولید پیدا کرد باز این اهمیت باقی ماند. در واقع در طول تاریخ این صنعت، همیشه سالهایی که در آنها اضافه تولید داشته‌ایم بیش از سالهایی بوده است که تولید نفت کمتر از تقاضا بوده. به نظر می‌رسد که لااقل تا چند سال دیگر افزودن بر تولید ادامه داشته باشد.

بهبود مجدد روابط میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت، « خاصه » روابط بین تولیدکنندگان - اعم از شرکتها و حکومتها - نیازمند زمان است. عدم ثبات سیاسی در بعضی از مناطقی که تولید نفت و درآمدشان به سرعت افزایش یافته است و عدم اطمینان کشورهای مصرف‌کننده، که از این عدم ثبات بیمناکند، و ورود بسیاری از تازه‌واردان به بازار نفت - جهانی برای یک رقابت منظم و در افتادن با شرکت‌های بزرگ بر سر تسلط بر بازار نفت جریان منظم نفت روسیه به غرب - همه اینها عواملی است که در صنعت جهانی نفت ایجاد اختلال می‌کند. تنبیه‌هایی که در وضع صنعت نفت در جهان پیدا شده است یا به‌عبارت بهتر پیشرفت‌هایی که عاید گردیده آن قدر سریع بوده است که بررسی مسئله را به طور کامل دشوار می‌سازد. به همین سبب این مجله از آقای « والتر لوی » که یکی از مشهورترین کارشناسان نفت در جهان است خواسته است تا این تحقیق و بررسی جامع‌را درباره مسائل نفتی - که نه تنها صنعت نفت بلکه جهان با آن روبرو است - به عمل آورد. »

اگوستوست شماره ۱۹ اوت ۱۹۶۱

آنچه در زیر می‌آید نظریه‌های آقای لوی است که از نظر کلیت وفادارانه‌ای که دارد ترجمه و عرضه شد، و بسیار است موارد و نکاتی که مترجم با نویسنده مقاله هم عقیده نیست. امید است که فرصتی دیگر دست دهد تا بتوانم نظریه‌های خود را بیان دارم. « مترجم »

صنعت جهانی نفت اکنون پانزدهمین سال رشد بی‌سابقه خود را سپری کرده است. در این مدت، نفت بسیاری از نیازمندیهای سوختی را که مرتباً در حال افزایش است و پایه و بنیان تجدیدحیات صنعتی بعد از جنگ و رشد اقتصادی می‌باشد، رفع کرده است. از اینها گذشته کوشش فوق‌العاده‌ای در راه اکتشاف ذخائر نفت خام و احداث پالایشگاه، جهت تهیه فرآورده‌های نفتی، برای روشنائی، ایجاد حرارت، تولید نیرو، توسعه حمل و نقل و بهبود شبکه‌های توزیعی که به طور وسیعی مناطق تولید را به بازارهای سراسر جهان متصل می‌سازد، به کار می‌رود.

با نظری به آینده خواهیم دید که ظرف پانزده سال آتی میدان مبارزه و وسیعتری برای صنعت نفت در جهان باز خواهد شد. نیازمندان به این نیرو، نه فقط در کشورهای

صنعتی غرب بلکه در مناطق توسعه نیافته نیز افزون خواهد گردید .  
 واضح است که تأمین سطح زندگی بهتر ، بستگی به اصلاح مداوم نیروی تولید کار دارد . بنابراین پیدا کردن سرمایه لازم و در دسترس بودن «نیرو» عامل قطعی است ، و برای اکثر کشورها احتیاجات روزافزون «نیرو» باید به وسیله نفت تأمین شود . مثلاً ظرف پانزده سال آینده مصرف نفت دنیا به استثنای امریکای شمالی احتمالاً به میزان  $\frac{7}{5}$  درصد ، هر سال افزایش خواهد یافت و هرگاه مصرف امریکای شمالی را نیز به آن اضافه کنیم ، نیازمندیهای دنیای غیر کمونیست در سال ۱۹۷۵ به دو بیلیون تن خواهد رسید ، درحالیکه اکنون ۹۰۰ میلیون تن است . خوشبختانه ذخائر مسلم عظیمی برای تأمین نیازمندیهای آتی موجود است . ذخائر نیمکره شرقی لااقل حدود ۲۸ بیلیون تن برآورد می شود که قریب سه چهارم منابع شناخته شده جهان غیر کمونیست و معادل ۳۰ سال مصرف این کشورها با حفظ نسبت افزایش فعلی است .

با در نظر گرفتن ذخائر موجود در خاورمیانه و افریقای شمالی ، واكتشافات دامنه داری که در مناطق دیگر به عمل می آید و محققاً ذخائر عظیم تازه ای به دست خواهد آمد ، به نظر می رسد که منابع نیمکره شرقی برای تأمین احتیاجات روزافزون آن منطقه و تأمین احتیاجات وارداتی نیمکره غربی کافی باشد . با سرعت فراوان تواید در آن زمان (۱۹۷۵) ، مقادیر زیادی نفت به طور ذخیره باقی خواهد ماند . ولی بین گذشته و آینده ، یعنی اکنون وضع آشفته ای وجود دارد زیرا فعالیت های نفتی جهان در اثر عدم ثبات اقتصادی و روابط تیره سیاسی دگرگون شده است .

ذخائر فراوان نفتی این اطمینان را می دهد که برای تأمین نیازمندیهای روبه فزونی آینده عرضه به حد کافی خواهد بود ، ولی امروز اشکالات مهمی وجود دارد که یکی از آنها اشکالی است که در اثر اضافه تولید نفت در دنیای غیر کمونیست و ورود نفت شوروی به بازار پدید آمده است . البته صنعت نفت قبلاً نیز ادوار اضافه تولید داشته است ، نفت جهان غرب در سال ۱۹۳۰ نیز مورد حمله رقابت آمیز روسها واقع شد و دچار فزونی عرضه گردید .

اما آنقدر که ثبات قراردادهای بازرگانی طویل المده و ثبات وضع سیاسی کشور های مهم نفتخیز در این مورد تأثیر دارد ، هرج و مرج اقتصادی فعلی به تنهایی در آن مؤثر نیست .

تأثیر ناسیونالیزم - رواج نهضت ناسیونالیزم و ضرورت پیشرفت های اقتصادی در کشورهای عقب افتاده ، بیش از عوامل دیگر در سال های اخیر ، در عملیات نفتی جهان مؤثر بوده است . دولتهای برخی از این کشورها به نحو دائم التزایدی خود را در کار عملیات نفتی که سابقاً جزو وظایف شرکت های خصوصی بوده است وارد می کنند . در بعضی مراحل ، مانند اکتشاف که ظاهراً ادامه عملیات آن نوید بخش است یا در مرحله پالایش حتی صدور ، بعضی از دولتها ، مانند برزیل و هندوستان مستقیماً وارد عمل شده اند . در سیلان و بعضی از کشورهای دیگر دولتها طوری در عملیات نفتی مداخله می کنند که در نتیجه در وضعی که برای ادامه حیات و فعالیت صنعت نفت ، چه در کشورهای تولیدکننده ، چه مصرف کننده ، لازم می باشد اختلال ایجاد می کند . علاوه بر اینها جنگ سرد مشکلات بین شرکتها و حکومت های محلی را شدت می دهد . هر وقت که مسئله نفت بین المللی پیش می آید روسها بلا فاصله به «سود انحصارها» اشاره می کنند و شرکتها را متهم به استثمار منابع و ذخائر ملی



کشورهای تولیدکننده و توده مصرف کنند؛ کشورهای واردکننده نفت می کنند . وظیفه مهم شرکت های بهم پیوسته بین المللی که عبارت از تنظیم تولید در مناطق مختلف و تطبیق عرضه با نیازمندی های جهانی است ، در اثر تغییرات حاصله در وضع این صنعت و در اثر محدودیتهای سیاسی ، هم از جهت آزادی در فروش و هم از جهت آزادی در عرضه ، بسیار دشوارتر شده است .

امروز واحد های تابع شرکت های نفتی جهانی زیر فشار قرار گرفته اند که تنها منافع ملی کشورهای را که در آن فعالیت می کنند مورد توجه قرار دهند . در چنین شرایطی هم آهنگی بین المللی در زمینه سرمایه گذاری برای تولید در مناطق مختلف و برای عرضه در بازارهای مختلف ، تحت الشعاع فوری ترین مقتضیات سیاسی روز قرار گرفته است . ضمناً شرکت های عمده بین المللی مجبورند که با رقابت بعضی از « تازه وارد هائی » که اکنون عملاً در تولید نفت شرکت دارند ، و نیز با بعضی از شرکت های فروشنده و تصفیه کننده مستقل که نفت خام را از منابع مختلف با هزینه کمتر تهیه می کنند ، مواجه گردند .

تجارت جهانی نفت نقش مهمی را در زندگی اقتصادی بعضی از ملتها بازی می کند . قدرت اقتصادی کشورهای صنعتی غربی با در دسترس داشتن مستمر و لاینقطع نفت در شرایط مناسب بستگی دارد ، و لسی نفتی که آنها وارد می کنند بیشتر در مناطقی متمرکز شده که کانون بحرانهای سیاسی است و جنگ سرد خطر احتیاج و بستگی غرب را به مناطقی که ممکن است همیشه به سهولت قابل استفاده نباشد به خوبی نشان می دهد .

دسترسی به نفت خارجی برای کشورهای مصرف کننده و دست اندازی به بازارها برای کشورهای تولید کننده ، اهمیت حیاتی دارد ، و شرایط بازرگانی نیز چه از لحاظ اقتصادی و چه سیاسی ، در هر دو مورد مهم است . این تأثیر و همبستگی متقابل بین کشورها هر چند که اساس و پایه ساختمان اقتصادی تجارت جهانی نفت می باشد با وجود این آنطور که شایسته است مورد توجه کشورهای ذینفع واقع نشده است . هر یک از دولت های ذینفع باید در تحصیل عواید بکوشد و به موازات این کار باید به دیگران هم حق بهره برداری و تحصیل عایدی بدهد بنابراین هر یک از دول ذینفع باید علاوه بر حفظ منافع خویش منافع اساسی دیگران را هم دریابد و بپذیرد .

پیدا است که این اختلاف ، و در عین حال ارتباط منافع ، در اثر عملیات صنعت بین المللی نفت به وجود آمده است . ولی صنعت جهانی نفت امروز با مسائلی روبرو است که مستقیماً به اساس فلسفه اقتصادی و سازمانی آن ، و روابط آن با کشورهای تولید کننده و وارد کننده ، بستگی دارد .

خاور میانه - نکته بسیار مهم در وضع فعلی عبارت از مقادیر زیاد و هزینه بهره برداری نسبتاً کم ذخائر نفتی است که در سالهای اخیر در برخی از کشورهای خاور میانه کشف شده است . ذخائر مسلم این منطقه لا اقل تقریباً ۲۵ بیلیون تن است که این مقدار می تواند تولید قریب ۹۰ سال بعد را به مقیاس مصرف کنونی تأمین کند . بنابراین اقتصاد تولید نفت در خاور میانه چون دیگر صنایع بی شک دارای سود است و اکتشاف نفت در این منطقه مانند سایر نقاط نتایج نامعلوم ندارد و هزینه آن هم بسیار کمتر از دیگر جاه است . از لحاظ موقعیت محلی ، نفت خاور میانه می تواند جانشین

قسمت اعظم نفتی که جهان غرب در نقاط دیگر تولید می‌کند، یا جانشین منابع انرژی رقابت کننده‌ای چون ذغال سنگ گردد .

اما اینکه محصول خاورمیانه به آن اندازه که باید افزایش نیافته است دلایل مهمی دارد. دولتهای کشورهای تولیدکننده علاقمندند که سطح قیمت‌ها بالاتر باشد، زیرا عایدات این حکومت‌ها بستگی به مالیاتهایی دارد که آنان از درآمد شرکت‌های تولیدکننده نفت می‌گیرند، به همین ترتیب این دولتها تا موقعی که منافعتشان تقلیل نیابد فروش مقادیر کمتری نفت با قیمت گزافتر را به فروش مقادیر زیادتری با قیمت نازلتر ترجیح می‌دهند. پیداست که آنها می‌خواهند از عواید نفت خود تا موقعی که میسر است برخوردار باشند و در همین حال در پایان مدت قرارداد نیز حد اکثر ممکن ذخائر نفتی را در دست داشته باشند.

شرکتهای بین‌المللی نفت به علت منافع تولیدی گوناگون از نظر جغرافیائی متساویاً از نفت ارزان خاورمیانه استفاده نمی‌کنند، به علاوه کلیه این شرکتهای قسمتی از احتیاجاتشان را از منابع گرانتری تهیه می‌کنند. به این ترتیب اصولی که در هنگام سرمایه‌گذاریهای قبلی رعایت شده موجب آن است که سطح تولید در مناطقی غیر از خاورمیانه حفظ شود.

همچنین هرگونه تمرکز تولیدی در چند کشور خاورمیانه موجب عقب‌افتادگی اقتصاد ملی کشورهای خواهد شد که نفت را با هزینه تمام شده گرانتری صادر می‌کنند. به منظور تأمین احتیاجات روبه‌فزونی جهان از نظر فرآورده‌های نفتی و برای مقابله با هرگونه وقفه‌ای که در کار عرضه نفت ممکن است دفعهٔ و به جهات غیر قابل پیش‌بینی پیش‌آید تعدد منابع تولید عملی گردیده است، و نیز این تنوع منابع تولید برای شرکتهائی که می‌کوشند در روابط خود با کشورهای تولیدکننده مختلف (که بعداً ذکر آنها خواهد آمد) قدرت خود را حفظ نمایند ضروری و لازم است. بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده دارای منابع نیروی سوختی محلی هستند. تهیه و تولید نیرو در محل ممکن است از واردات نفت خیلی گرانتر تمام شود ولی ملاحظات اجتماعی اقتصادی و سوق الجیشی اغلب باعث می‌شوند که دولتها چنین منابع نیروی ملی را توسعه داده‌آن‌ها را در بازار داخلی مورد حمایت قرار دهند. ولی فشارهای مستمری وجود دارد که ایجاب می‌کند بعضی از کشورها، اعم از عمالک در خاورمیانه یا مناطق دیگر هرچه بیشتر تولید خود را افزون سازند. شرکتهای صاحب امتیاز کوشش بسیار می‌کنند که به سرعت میزان محصول خود را بالا برند زیرا اگرچه اینان معمولاً برای مدت چهل سال، یا در این حدود امتیاز می‌گیرند، ولی با این وصف مدت امتیازشان محدود است.

ذخائر شناخته شده در برخی از این کشورها چون کویت و عربستان سعودی در بعضی موارد به حدی است که تکافوی برداشت زیادتر از تولید فعلی را برای مدتی پیش از تمام مدت امتیاز خواهد کرد و هرچه زودتر يك بشکه نفت به دست‌آید در نظر شرکت از لحاظ مادی ارزش بیشتری خواهد داشت.

[دباله دارد]

ترجمهٔ منوچهر فرمانفرمایان